فضائل الشیعة / ترجمه توحیدی

نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی – توحیدی، امیر

تاریخ وفات مؤلف: ۳۸۱ ق

محقق / مصحح: ندارد

موضوع: گوناگون

زبان: فارسی

تعداد جلد: ۱

ناشر: انتشارات زراره

مکان چاپ: تهران

سال چاپ: ۱۳۸۰ ش

نوبت چاپ: سوم

ص: ۱

تقریظ استاد ارجمند و محقق فاضل جناب آقای علی اکبر غفاری

بسمه تعالی اینجانب متن و ترجمه این اثر شریف را با کمال دقت مطالعه کردم، متن آن را از نظر تصحیح و اعراب گذاری، دقیق و ترجمه را از جهت صحت رعایت قواعد ادبی و روانیِ الفاظ کاملا درست و با دقّت یافتم.

خداوند به عامل آن آقای امیر توحیدی – ابقاه اللّه تعالی – جزای خیر دهد و او را برای احیای آثار مذهبی توفیق عنایت فرماید.

علی اکبر غفاری

[پیشگفتار]

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ

و صلّی اللّه علی محمّد و آله الطّیّبین الطّاهرین و لعنة اللّه علی اعدائهم اجمعین خداوند سبحان و ذوات مقدّسه محمّد و آل محمّد علیهم السّلام را بی‌حدّ و حصر شاکر و سپاسگزارم که این حقیر عاصی را بار دیگر مورد لطف و مرحمت خویش قرار دادند تا اثر دیگری از آثار ماندگار و گرانقدر عالمی فقیه و محدّثی جلیل القدر از تبار بزرگان شیعه، یعنی «شیخ صدوق» رحمه اللّه علیه را تصحیح و ترجمه نمایم و به ایتام آل محمّد تقدیم دارم.

به یقین، اگر عنایات، الطاف و مراحم خاصّه حضرت بقیة اللّه الاعظم «روحی و ارواح العالمین لتراب مقدّمه الفداء» نبود، هرگز چنین توفیقی نصیب این کمترین نمی‌شد، ولی از آنجا که آن سرور انام و امام همام «کریم من اولاد الکرام» و مظهر و مظهر اتمّ و اکمل «یا من بابه مفتوح للطّالبین» «۱» است، این بار نیز فتح باب رحمت فرمود و بار عام داد تا این عبد عارم «۲» به مصداق وَ کَلْبُهُمْ باسِطٌ ذِراعَیْهِ بِالْوَصِیدِ «۳» (کهف- ۱۸) بتواند سر ارادت بر آستان

---

(۱)- بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۳۹۴

(۲)- بد اخلاق

(۳)- و سگ اصحاب کهف، دستهایش را بر دهانه غار گشوده بود.

ص: ۲

ملک پاسبانش بساید و با «بضاعة مزجاة» به ساحت مقدّسش عرض ارادتی بنماید و ران ملخی نزد سلیمان ببرد.

به راستی در این زمانه آکنده از محنت و بلا که هر کس رو به سویی نهاده و دل به بت عربده‌جویی سپرده است و بازار تحریف حقایق اصیل دین رونق و رواج روز افزونی دارد و علمای واقعی دین، مکتوم «۱» و مکعوم «۲» و ملجم «۳» هستند و جاهلان عالم‌نما، مکرم. معروف، منکر می‌نماید و منکر، معروف و در نزد مردمش به تعبیر امیر مؤمنان علی علیه السّلام:

«لیس عند اهل ذلک الزّمان سلعة أبور من الکتاب اذا تلی حقّ تلاوته، و لا انفق منه اذا حرّف عن مواضعه» «۴» در نزد مردم آن زمان، کالایی کسادتر از قرآن نخواهد بود اگر آن را آن گونه که حقّ آن است تلاوت نمایند، و اگر معنی کلماتش را تغییر داده و تحریف نمایند، کالایی پر رونق‌تر از آن [نزد آنها] وجود نخواهد داشت.

جز اعانت، لطف، کرم، بنده‌نوازی و ... ارباب کرم (محمّد و آل محمّد صلوات اللّه و سلام علیهم) چه چیزی دیگری حرکت در سبیل و صراط آل رسول علیهم السّلام را مقدور و میسور می‌سازد و آدمی را از شرّ شیاطین جنّی و انسی، در حصن حصین ولایت علوی، از خطرات مصون و محفوظ می‌دارد؟ این سخن در واقع بشارتی است از جانب وجود نازنین حضرت بقیة اللّه الاعظم،

---

(۱)- پنهان، دهان بسته، دم فرو بسته.

(۲)- پنهان، دهان بسته، دم فرو بسته.

(۳)- پنهان، دهان بسته، دم فرو بسته.

(۴)- نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷

ص: ۳

حجّة ابن الحسن العسکریّ «عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف» که در توقیع شریفش خطاب به شیخ مفید فرمود:

«انّا غیر مهملین لمراعاتکم و لا ناسین لذکرکم، و لولا ذلک لنزل بکم اللّأواء و اصطلمکم الاعداء» «۱» همانا، ما از رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و شما را از یاد نمی‌بریم، چه، در غیر این صورت، سختیها و گرفتاریها بر شما فرو می‌آید و دشمنان شما را ریشه‌کن کرده و از بین می‌برند.

بار الها، تو را با تمام وجود و از صمیم قلب، حامد و شاکرم که پذیرش فرمایشات درر بار این امرای کلام را بر قلب ما سهل و آسان فرمودی و ما را آن گونه قرار دادی که کوله‌بار رجاء خویش را بر آستان این «شموس طالعة» و «بدور منیرة» دراندازیم و رحل اقامت جانهای خسته خویش را بر فناء «۲» این «انجم ظاهرة» و «شهب ثاقبة» بیفکنیم و با تمام وجود مصدّق سخن باقر علوم انبیا و کاشف سرّ اوصیاء علیه السّلام باشیم که به «سلمة بن کهیل و حکم بن عتیبة» فرمود:

«شرّقا و غرّبا لن تجدا علما صحیحا الّا شیئا یخرج من عندنا اهل البیت» «۳» [اگر] به شرق و غرب عالم [هم] بروید، هرگز به علم صحیح و درستی [در دین] دست نمی‌یابید، مگر آن علمی که از نزد ما آل محمّد بیرون می‌آید.

---

(۱)- احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۸

(۲)- درگاه

(۳)- بحار الانوار، ج ۲، ص ۹۲، ح ۲۰

ص: ۴

و همچنین کلام نورانی آن حضرت را بپذیریم که فرمود:

«کلّ شیء لم یخرج من هذا البیت فهو باطل» «۱» هر چیزی (علمی) که از این خانه (بیت محمّد و آل محمّد) بیرون نیامده، باطل است.

آری این امور، از جمله عواملی بود که باعث شد جویای اثری باشیم که مصداق «کلامکم نور» و «فِیهِ شِفاءٌ لِلنّاسِ» باشد و بتواند مخاطبین واقعی خویش را حیاتی دوباره بخشد و یاد «کلامک تحیی قلوبنا» را در اذهان و افکار

دوستداران اهل بیت علیهم السّلام زنده بدارد. لذا کتاب «فضائل الشیعه» را در ادامه کتاب «صفات الشیعة» برگزیدیم تا با تصحیح، اعراب و ترجمه آن، گامی هر چند کوتاه، در این مسیر برداریم. ولی در عین حال، مشغله‌های فراوان مانع از این توفیق بود تا اینکه سرانجام، صدیق ارجمند، جناب آقای «سیّد علی مدنی» که به حقّ یکی از ارادتمندان واقعی به مکتب اهل بیت علیهم السّلام است، به اینجانب پیشنهاد فرمود تا به این مهم بپردازم.

از پیشنهاد ایشان به گرمی استقبال نمودم و برای نیل به این مقصود، مصمّم شدم نسخه‌های خطی این کتاب را تهیه کرده تا در چاپ جدید، اغلاط فراوانی را که در سند، متن و ترجمه دو کتاب مذکور «۲» وجود داشت، در حدّ توان خویش برطرف نمایم. لذا سه نسخه خطی آن را از

---

(۱)- بصائر الدرجات، ص ۵۱۱، ح ۲۱

(۲)- منظور کتاب «فضائل الشیعة» و «صفات الشیعة» است که ظاهرا برای نخستین بار توسط فاضل ارجمند، جناب آقای حسین فشاهی با مقدمه بسیار خوبی از ایشان در سال ۱۳۴۲ به فارسی ترجمه شده و در ایران به زیور طبع درآمده است.

ص: ۵

کتابخانه مجلس «۱»، کتابخانه دانشگاه تهران «۲» و کتابخانه آقای مرعشی «۳» تهیه کرده و با استفاده از نسخه چاپی آن، به این امر مبادرت ورزیدم و در این مسیر، تمام روایاتی را که مرحوم علّامه مجلسی در کتاب «بحار الانوار» از کتاب «صفات الشیعة» و «فضائل الشیعة» شیخ صدوق رحمه اللّه علیه آورده بود، با نسخه‌های مذکور مطابقت نمودم تا بدین طریق، هم از نسخ متعدّدی که در اختیار علّامه مجلسی بوده بهره‌مند شویم، و هم از نظرات و بیانات این مرد فرزانه و کم نظیر در ذیل این احادیث توشه‌ای برگیریم.

بعد از اتمام کار، کتاب را به استاد ارجمند و محقّق فاضل، جناب آقای علی اکبر غفّاری، که به حقّ یکی از احیاگران آثار اهل بیت علیهم السّلام در زمان ما هستند، تقدیم داشتم تا اگر هنوز اشتباهاتی در آن به جا مانده است، اصلاح فرمایند. جناب استاد نیز قبول زحمت فرموده و اصلاحات و نظراتشان را مرقوم داشتند که عینا منعکس گردید.

در خاتمه، از تمام اخوان مؤمنینی که به نوعی در تسهیل و تیسیر این صعب، با کمال صفا و صمیمیّت، بنده را اعانت فرمودند، تشکّر و قدردانی می‌کنم و اجر و پاداش همگان را از ولی نعمتمان، حضرت ولیّ عصر علیه السّلام عاجزانه مسألت می‌نمایم و به محضر مبارکش عرضه می‌دارم:

---

(۱)- نسخه خطی کتابخانه مجلس، در این کتاب با رمز (ن- م) مشخص شده است.

(۲)- نسخه خطی کتابخانه دانشگاه تهران، در این کتاب با رمز (ن- د) مشخص شده است.

(۳)- نسخه خطّی کتابخانه آقای مرعشی، در این کتاب با رمز (ن- مر) مشخص شده است.

ص: ۶

یا أَیُّهَا الْعَزِیزُ مَسَّنا وَ أَهْلَنَا الضُّرُّ وَ جِئْنا بِبِضاعَةٍ مُزْجاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْکَیْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَیْنا إِنَّ اللَّهَ یَجْزِی الْمُتَصَدِّقِینَ (یوسف- ۸۸) «ای عزیز، ما با همه اهل بیت خود، به فقر و قحطی و بیچارگی گرفتارشده‌ایم و با متاعی ناچیز و بی‌قدر، به حضور تو آمده‌ایم، پس پیمانه‌های ما را پر کن و به ما تصدّق کن. به راستی که خداوند، به صدقه دهندگان، پاداش نیک عطا می‌کند.» وَ ما تَوْفِیقِی إِلَّا بِاللَّهِ العلیّ العظیم و صلّی اللّه علی محمّد و آله الطّاهرین تهران- ۴/ ۵/ ۱۳۷۹ امیر توحیدی

ص: ۷

مقدمه:

محمّد بن علی بن حسین بن بابویه قمّی، مشهور به «شیخ صدوق» در سال ۳۰۶ یا ۳۰۷ (ه. ق) در خاندان علم و تقوی در شهر مذهبی قم، دیده به جهان گشود. پدر بزرگوارش، علیّ بن حسین بن بابویه قمی، از برجسته‌ترین علما و فقهای زمان خود بود. او در بازار، دکّه‌ای کوچک داشت و از طریق کسب و تجارت، در نهایت زهد و عفاف، امرار معاش می‌کرد. همچنین، ساعاتی از روز را در منزل، به تدریس و تبلیغ معالم دین و نقل روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السّلام می‌پرداخت.

جلالت شأن و منزلت این فقیه بزرگوار (علیّ بن حسین) بدان پایه رسید که امام حسن عسکری علیه السّلام، طی نامه‌ای او را با القابی چون «شیخی»، «معتمدی» و «فقیهی» مورد خطاب قرار داد.

چون این نامه دارای مضامین بسیار بلندی است و در طی آن، نکات دقیقی بیان شده که آگاهی بر آن، برای سالکین سبیل ولایت کبرویه مرتضویه، ضروری است، لذا متن آن را عینا در اینجا نقل می‌نماییم:

ص: ۸

نامه امام حسن عسکری علیه السّلام به علی بن بابویه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ و العاقبة للمتّقین و الجنّة للموحّدین و النّار للملحدین و لا عدوان إِلَّا عَلَی الظَّالِمِینَ و لا اله الّا اللَّهُ أَحْسَنُ الْخالِقِینَ و الصّلوة علی خیر خلقه محمّد و عترته الطّاهرین.

امّا بعد اوصیک یا شیخی و معتمدی و فقیهی ابا الحسن علیّ بن الحسین بن بابویه القمیّ- وفّقک اللّه لمرضاته و جعل من صلبک اولادا صالحین برحمته- بتقوی اللَّهِ وَ إِقامِ الصَّلاةِ وَ إِیتاءِ الزَّکاةِ فانّه لا تقبل الصّلاة من مانع الزّکاة و اوصیک بمغفرة الذّنب و کظم الغیظ و صلة الرّحم و مواساة الاخوان و السّعی فی حوائجهم فی العسر و الیسر و الحلم و التّفقّه فی الدّین و التّثبّت فی الامر و التّعاهد للقرآن و حسن الخلق و الامر بالمعروف و النّهی عن المنکر، فانّ اللّه عزّ و جلّ قال: لا خَیْرَ فِی کَثِیرٍ مِنْ نَجْواهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلاحٍ بَیْنَ النَّاسِ و اجتناب الفواحش کلّها و علیک بصلاة اللّیل فانّ النّبیّ صلّی اللّه علیه و آله و سلّم اوصی علیّا علیه السّلام فقال: یا علیّ علیک بصلاة اللّیل علیک بصلاة اللّیل علیک

بصلاة اللّيل و من استخفّ بصلاة اللّيل فليس منّا، فاعمل بوصيّتی و أمر شيعتی حتّی يعملوا عليه و عليک بالصّبر و انتظار الفرج فانّ النّبیّ صلّی الله عليه و آله و سلّم قال: افضل اعمال امّتی انتظار الفرج، و لا تزال شيعتنا فی حزن حتّی يظهر ولدی الّذی بشّر به النّبیّ صلّی اللّه عليه و آله و سلّم يملأ الارض قسط و عدلا کما ملئت ظلما و جورا. فاصبر يا شيخی يا ابا الحسن علیّ و أمر جميع شيعتی بالصّبر فانّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُها مَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ وَ الْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ و

ص: ۹

السّلام عليک و علی جميع شيعتنا و رحمة اللّه و برکاته و صلّی اللّه علی محمّد و آله» «۱».

امام حسن عسکری عليه السّلام در اين نامه، پس از حمد خدا و درود بر پيامبر و عترت طاهرينش می‌فرمايد:

ای فقيه مورد اعتماد من، علی بن الحسين بن بابويه القمی، خداوند تو را به کارهای مورد رضايتش توفيق دهد و از نسل تو، اولاد صالح بيافريند. تو را وصيّت می‌کنم به رعايت تقوی و برپاداشتن نماز و ادای زکات، زيرا کسی که زکات نپردازد، نمازش قبول نخواهد شد و نيز تو را سفارش می‌کنم به بخشايش گناه ديگران و خويشتن‌داری به هنگام خشم و غضب، ارتباط با خويشاوندان، تعاون و همکاری با برادران دينی و کوشش در رفع نيازهای آنها در تنگدستی و گشاده‌دستی، بردباری و کسب آگاهی و معرفت در دين. در کارها ثابت قدم و با قرآن هم‌پيمان باش، اخلاق خود را نيکو گردان و ديگران را به کارهای شايسته امر کن و از پليدی‌ها باز دار، زيرا خداوند فرموده است: «در بسياری از سخنان آهسته و در گوشی آنها، هيچ خيری نيست مگر اينکه ضمن آن، به صدقه يا کار نيک و يا اصلاح بين مردم امر نمايند» [و بطور کلّی] تو را سفارش می‌کنم به خودداری از تمام معاصی و گناهان.

نماز شب را ترک مکن، زيرا پيامبر اکرم صلّی اللّه عليه و آله و سلّم در وصيّت خود به

(۱)- «معادن الحکمة فی مکاتيب الائمّة»، تأليف علم الهدی محمد بن المحسن بن مرتضی الکاشانی، ج ۲، ص ۲۶۵، چاپ جامعه مدرّسين حوزه علميه قم.

ص: ۱۰

علیّ عليه السّلام، سه مرتبه فرمود: «بر نماز شب مواظبت نما. هر کس نسبت به نماز شب بی‌اعتنا باشد، از ما نيست» پس ای علی بن الحسين، تو خود به سفارشات من عمل کن و شيعيان مرا نيز دستور ده تا عمل کنند و نيز تو را به صبر و پايداری و انتظار فرج توصيه می‌کنم، زيرا پيامبر اکرم صلّی اللّه عليه و آله و سلّم فرمود: «بهترين کارهای امت من، انتظار فرج است» شيعيان ما همواره در غم و اندوه خواهند بود تا فرزندم ظهور کند، همان کسی که پيامبر صلّی اللّه عليه و آله و سلّم بشارت آمدنش را داده است، زمين را از عدل و داد پر می‌کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است. پس بار ديگر ای علی بن بابويه، تو را به صبر و استقامت توصيه می‌کنم و تو نيز به همه شيعيان و پيروان مرا به صبر و استقامت فرمان بده. «به راستی زمين از آن خداست و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد به ارث می‌دهد و عاقبت از آن پرهيزگاران است».

سلام و رحمت و برکت حقّ بر تو و بر همه شیعیان ما، درود خداوند بر محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و آل او باد. «۱»

(۱)- این نامه را اکثر محقّقین و صاحبان تراجم نقل نموده‌اند که از جمله آنها، می‌توان از علامه بحرانی در «لؤلؤة البحرین»، ص ۳۸۴، محقّق خوانساری در «روضات الجنّات»، ج ۴، ص ۲۷۳، علامه مجلسی در «بحار الانوار»، ج ۵۰، ص ۳۱۷ و ۳۱۸، محدّث نوری در «مستدرک الوسائل»، ج ۳، ص ۵۲۷، قاضی نور اللّه شوشتری در «مجالس المؤمنین»، ج ۱، ص ۴۵۳، محدّث قمی در «فوائد الرضویة»، ص ۲۸۱، و علامه شیخ محمّد تقی تستری در «قاموس الرّجال»، ج ۶، ص ۴۷۴، نام برد.

چگونگی ولادت

عمر با برکت علیّ بن حسین بن بابویه از پنجاه می‌گذشت و هنوز صاحب فرزندی نشده بود، لذا نامه‌ای به محضر مبارک حضرت ولیّ عصر علیه السّلام نوشت و از آن حضرت درخواست کرد برایش دعا کند تا خداوند به او فرزندی صالح و فقیه مرحمت فرماید. ابو جعفر بن علیّ الاسود می‌گوید:

من نامه ابن بابویه را به حسین بن روح، سومین نایب خاصّ حضرت حجّت رساندم. پس از سه روز به من خبر داد که حضرت برای علی بن حسین بن بابویه دعا فرموده و «انّه سیولد له ولد مبارک ینفع اللّه به و بعده اولاد» به زودی خداوند به او فرزند مبارکی عطا می‌فرماید و به سبب او [به مردم] خیر می‌رساند و بعد از او (شیخ صدوق) نیز فرزندان دیگری به او (ابن بابویه) مرحمت می‌فرماید.

شیخ صدوق در یکی از کتابهایش به نام «کمال الدین»، ضمن نقل موضوع فوق، اضافه می‌کند که هر گاه ابو جعفر بن علیّ الاسود مرا می‌دید که برای طلب علم و دانش به محضر استاد می‌رفتم، به من می‌فرمود:

این علاقه و اشتیاق تو به علم، تعجّبی ندارد، زیرا تو به دعای امام زمان علیه السّلام متولّدشده‌ای. مرحوم علّامه مجلسی نیز در کتاب ارزشمند «بحار الانوار»، این قضیه را از معجزات حضرت ولیّ عصر علیه السّلام دانسته است. «۱»

(۱)- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۳۵ و ۳۳۶

دیدگاه دانشمندان اسلامی در مورد شیخ صدوق

همه علما و فقهای بزرگ اسلام، با دیده احترام و تعظیم به شیخ صدوق نگریسته‌اند و عدالت او را توثیق نموده و مقام شامخ علمی او را با عباراتی بلند تصدیق نموده‌اند. ما در اینجا اظهار نظر برخی از علمای بزرگ اسلام را یادآور می‌شویم:

۱- فقیه نامدار، شیخ طوسی در معرّفی شیخ صدوق می‌گوید:

«محمّد بن علیّ بن بابویه القمّی جلیل القدر یکنّی ابا جعفر کان جلیلا، حافظا للاحادیث، بصیرا بالرّجال ناقدا للاخبار لم یر فی القمّیّین مثله فی حفظه و کثرة علمه، له نحو من ثلاث مائة مصنّف».

او دانشمندی جلیل القدر و حافظ احادیث بود. از احوال رجال کاملا آگاه، و در سلسله احادیث، نقّادی عالی مقام به شمار می‌آمد و در میان علمای قم، از نظر حفظ احادیث و کثرت معلومات، مانند نداشت و در حدود سیصد اثر تألیفی از خود به یادگار گذاشت.

۲- رجالی کبیر نجاشی چنین می‌نویسد:

ابو جعفر (شیخ صدوق) ساکن ری، بزرگ ما و فقیه ما و چهره برجسته شیعه در خراسان است. به بغداد نیز وارد شد و با اینکه در سنّ جوانی بود، همه بزرگان شیعه (شیوخ الطائفة) از او استماع حدیث می‌کردند.

۳- سیّد بن طاوس می‌فرماید:

شیخ صدوق کسی است که همه بر علم و عدالت او اتفاق دارند.

ص: ۱۳

۴- علّامه مجلسی در توصیف او چنین می‌گوید:

«من عظماء القدماء التّابعین لآثار الائمّة النّجباء الّذین لا یتّبعون الآراء و الاهواء و لذا ینزل اکثر اصحابنا کلامه و کلام ابیه (رضی اللّه عنهما) منزلة النّصّ المنقول و الخبر المأثور» شیخ صدوق از بزرگترین علمای گذشته است و از جمله کسانی است که از احادیث امامان بزرگوار علیهم السّلام تبعیت می‌کنند، نه از پندارها و خواهشهای نفسانی. به همین دلیل است که اکثر علمای شیعه، کلام وی و پدرش را به منزله حدیث و روایات اهل بیت علیهم السّلام می‌دانند.

۵- علّامه سیّد هاشم بحرانی بعد از اشاره به عظمت شیخ می‌گوید:

جمعی از اصحاب ما، از جمله علامه در «مختلف»، شهید در «شرح الارشاد» و سیّد محقّق داماد، روایات مرسله صدوق را صحیح می‌دانند و به آنها عمل می‌کنند، زیرا همان گونه که روایات مرسله ابن ابی عمیر پذیرفته شده، روایات مرسله صدوق هم مورد قبول واقع شده است.

۶- سیّد محمّد باقر خوانساری، صاحب روضات الجنّات نیز این چنین آورده است:

«شیخ العلم الامین، عماد الملّة و الدّین، رئیس المحدّثین، ابو جعفر الثّانی ... المشتهر بالشّیخ الصّدوق، امره فی العمل و العدالة و الفهم و النّبالة و الفقه و الجلالة و الثّقة و حسن الحالة و کثرة التّصنیف وجودة التألیف و غیر ذلک من صفات البارعین و سمات الجامعین اوضح من ان یحتاج الی بیان او یفتقر الی تقریر القلم فی مثل هذا المکان».

ص: ۱۴

شخصیت نامدار و مورد اعتماد، پایه و ستون دین، رئیس محدّثین، ابو جعفر دوم ...، مشهور به شیخ صدوق، در علم و عدالت و فهم مطالب و برجستگی شخصیت و فقاهت و جلالت قدر و وثوق و درست کرداری و تصانیف بسیار و حسن سلیقه‌ای که در تنظیم و تألیف آنها بکار برده و در آراستگی به همه صفاتی که زیبنده شخصیتهای نامی و صاحبان فضل و کمال است، بالاتر از آن است که نیازمند به بیان و گفتار یا محتاج به تقریر قلم و نوشتار باشد.

۷- و از همه محکمتر، کلام بلند و رسای علّامه بحر العلوم طباطبائی است که به شیواترین تعبیرات، حقّ مطلب را ادا کرده است. متن کلام سیّد بحر العلوم در تعریف شیخ صدوق، چنین است:

«شیخ مشایخ الشّیعة و رکن من ارکان الشّریعة رئیس المحدّثین و الصّدوق فیما یرویه عن الائمّة علیهم السّلام ولد بدعاء صاحب الامر صلوات اللّه علیه و نال بذلک عظیم الفضل و الفخر وصفه الامام علیه السّلام فی التّوقیع الخارج من ناحیة المقدّسة بانّه فقیه، خیّر مبارک، ینفع اللّه به، فعمّت برکته الانام، و انتفع به الخاصّ و العامّ و بقیت آثاره و مصنّفاته مدی الایّام و عمّ الانتقاع بفقهه و حدیثه فقهاء الاصحاب و من لا یحضره الفقیه من العوامّ ...» شیخ صدوق، بزرگ بزرگان و استاد راویان شیعه و ستونی از ستونهای شریعت اسلام و پیشوای محدّثین است و در آنچه از امامان شیعه علیهم السّلام نقل می‌کند، راست گفتار. او به دعای حضرت صاحب الامر علیه السّلام به دنیا آمد و همین فضیلت و افتخار بزرگ او را بس که امام عصر علیه السّلام در نامه مبارکش، او را با کلماتی همچون «فقیه» (دانشمند)، «خیّر» (نیکوکار)، «مبارک» (با برکت)، «ینفع اللّه به» (از جانب خداوند سود بخش) توصیف کرده است. از این

ص: ۱۵

رو، خیر و برکت او، شامل حال مردم گردید و خواصّ و عوام، از او نفع بردند و کتابهای و تألیفاتش تا همیشه روزگار باقی است. از فقه و حدیثش، هم دانشمندان استفاده می‌کنند و هم عامّه مردم که دسترسی به فقها ندارند بهره می‌جویند.

تألیفات شیخ صدوق

شیخ صدوق، علاوه بر آثار متعدّدی که در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی از خود به جای گذاشت، با بیان معارف و معالم دین، فرهنگ غنی شیعه را نیز هر چه بیشتر به جامعه معرفی نمود و در این راه، زحمات طاقت فرسایی را متحمّل گردید. او به راستی یکی از احیاگران علوم اهل بیت علیهم السّلام در تاریخ شیعه است.

شیخ طوسی فرموده: او (شیخ صدوق) سیصد کتاب تألیف کرده است و نجاشی حدود دویست کتاب از کتابهای صدوق را نام می‌برد، ولی چون ذکر همه آنها خارج از حوصله این کتاب است، لذا در اینجا تنها نام تعدادی از آثار مشهور شیخ صدوق را یادآور می‌شویم:

– «کتاب من لا یحضره الفقیه»، این کتاب، یکی از کتب اربعه فقه شیعه به شمار می‌رود.

– «مدینة العلم»، این کتاب که به گفته شیخ طوسی بزرگتر از «کتاب من لا یحضره الفقیه» است، حدود ۴۰۰ سال پیش ناپدید گشته است.

– «عیون اخبار الرضا»، «کتاب التوحید»، «الخصال»، «الامالی»، «معانی الاخبار»، «علل الشرائع»، «کمال الدین و تمام النعمة» و ...

ص: ۱۶

وفات شیخ صدوق

سرانجام این عالم بزرگوار، پس از گذشت هفتاد و چند سال از عمر شریف و پر برکتش در سال ۳۸۱ ه. ق دعوت حق را لبیک گفت و در شهر ری دیده از جهان فرو بست.

پیکر پاکش در میان غم و اندوه شیعیان در نزدیکی مرقد مطهّر حضرت عبد العظیم الحسنی مدفون گردید. آرامگاهش در این ایام به نام ابن بابویه در شهر ری مشهور و قبر منوّرش، زیارتگاه دوست‌داران آل رسول صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و محلّ استجابت دعای مؤمنان است.

ناگفته نماند اکثر تذکره نویسان، قضیه‌ای راجع به سالم ماندن پیکر شریف صدوق، پس از گذشت نهصد سال از وفات وی نقل کرده‌اند که ما نیز خلاصه آن را در اینجا ذکر می‌کنیم. علّامه خوانساری متوفای ۱۳۱۳ ه. ق در کتاب ارزشمند «روضات الجنّات» می‌نویسد:

«از کرامات صدوق که در این اواخر به وقوع پیوسته و عدّه کثیری از اهالی شهر آن را مشاهده کرده‌اند، آن است که در عهد فتحعلی شاه قاجار، در حدود ۱۲۳۸ ه. ق، مرقد شریف صدوق که در اراضی ری قرار دارد، از کثرت باران خراب شد و رخنه‌ای در آن پدید آمد. به جهت تعمیر و اصلاح آن، اطرافش را می‌کندند، پس به سردابه‌ای که مدفنش بود برخوردند. هنگامی که وارد سرداب شدند، دیدند که جثّه او همچنان تر و تازه با بدن عریان و مستور العورة و در انگشتانش اثر خضاب و در کنارش تارهای پوسیده

ص: ۱۷

کفن به شکل فتیله‌ها بر روی خاک قرار گرفته است.

این خبر به سرعت در تهران منتشر شد و به گوش سلطان وقت رسید. وی با جمعی از بزرگان و امنای دولت، به جهت مشاهده حضوری به محلّ آمدند. جمعی از علما و اعیان داخل سرداب شدند و صدق قضیه را به رأی العین مشاهده کردند. پس از آن وی دستور تعمیر و تجدید بنا و تزئینات آن بقعه را صادر کرد.» «۱» صاحب روضات که در آن زمان ۱۲ ساله بوده می‌نویسد:

«من خود بعضی از افرادی را که در آن واقعه حضور داشتند ملاقات نموده‌ام.» صاحب «تنقیح المقال» نیز همین قضیه را نقل نموده و اضافه می‌کند:

«چهل سال پیش به سند صحیح از سید ابراهیم لواسانی- یکی از علمای بزرگ تهران- نقل شده که وی خود از کسانی بوده است که به چشم خود جسد مطهّر را به همان حال که ذکر شد مشاهده کرده است. «۲» خدای او را رحمت کند و با پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و ائمّه طاهرین علیهم السّلام محشورش گرداند. «۳»

---

(۱)- روضات الجنّات، ج ۶، ص ۱۴۰، ریحانة الادب، ج ۳، ص ۴۳۷

(۲)- ریحانة الادب، ج ۳، ص ۴۳۸، قاموس الرجال، ج ۸، ص ۲۸۶، به نقل از تنقیح المقال، ج ۳، ص ۱۵۵

(۳)- ما این مقدّمه را از کتاب «شیخ صدوق»، تألیف حجت الاسلام محمّد علی خسروی تلخیص و اقتباس نموده‌ایم.

ص: ۱۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ

حدیث اوّل

عبد اللّه بن عمر گفت: از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در مورد علی بن ابی طالب علیه السّلام [بطور توهین‌آمیزی] سؤال کردیم. آن حضرت خشمگین شد و فرمود:

چرا عدّه‌ای به بدی یاد می‌کنند از کسی که مقام و منزلتش نزد خدا، همچون مقام و منزلت من است؟! آگاه باشید هر کس علی را دوست بدارد، مرا دوست می‌دارد و هر کس مرا دوست بدارد، خداوند از او راضی است و هر کس خدا از او راضی باشد، پاداشش را بهشت قرار می‌دهد. بدانید، هر کس علی را دوست بدارد، از دنیا نمی‌رود مگر اینکه از حوض کوثر بنوشد و از درخت طوبی بخورد و جایگاه خود را در بهشت ببیند. آگاه باشید، هر کس علی را دوست بدارد، نماز، روزه و شب‌زنده‌داری‌اش پذیرفته می‌شود و دعایش مستجاب می‌گردد.

ص: ۲۱

بدانید، هر کس علی را دوست بدارد، فرشتگان برای او طلب آمرزش می‌کنند و درهای هشتگانه بهشت بر او گشوده می‌شود تا از هر دری که بخواهد، بدون حساب وارد شود. آگاه باشید، هر کس علی را دوست بدارد، خداوند نامه عملش را به دست راستش می‌دهد و به حساب او همچون حساب انبیا رسیدگی می‌کند. بدانید هر کس علی را دوست بدارد، خداوند شدّت و سختی جان دادن را بر او آسان می‌کند و قبرش را باغی از باغهای بهشت قرار می‌دهد. آگاه باشید، هر کس علی را دوست بدارد، خداوند به تعداد رگهای بدنش از حوری‌های بهشت به او می‌بخشد و در مورد هشتاد نفر از اقوام و خویشانش، شفاعت می‌کند و به تعداد موهای بدنش، از حوریان بهشتی و از شهرهای بهشت برخوردار می‌شود. بدانید، هر کس علی را دوست بدارد، خداوند، ملک الموت (عزرائیل) را برای [قبض روح] او، آن گونه می‌فرستد که برای

پیامبران فرستاده می‌شود و ترس از نکیر و منکر را از او برمی‌دارد و رویش را سفید می‌کند، و او با حضرت حمزه سید الشهداء همنشین خواهد بود. آگاه باشید، هر کس علی را دوست بدارد، خداوند، حکمت را در قلبش ثابت می‌کند و سخن درست را بر زبانش جاری می‌سازد و درهای رحمت را به رویش می‌گشاید.

بدانید، هر کس علی را دوست بدارد، در آسمانها و زمین، اسیر خدا نامیده می‌شود. آگاه باشید، هر کس علی را دوست بدارد، فرشته‌ای از زیر عرش او را صدا می‌زند: ای بنده خدا، عمل [به فرامین الهی] را از نو آغاز کن، زیرا خداوند تمام گناهانت را آمرزیده است. بدانید، هر کس علی را دوست بدارد، روز قیامت در حالی [به صحرای محشر] می‌آید که صورتش همچون ماه شب چهارده می‌درخشد. آگاه باشید، هر کس علی را دوست بدارد، بر سرش تاج پادشاهی گذاشته می‌شود،

ص: ۲۳

و لباس کرامت و بزرگواری بر او پوشانده می‌شود. بدانید، هر کس علی را دوست بدارد، از پل صراط همچون برق جهنده می‌گذرد. آگاه باشید، هر کس علی را دوست بدارد، برای او، دوری از آتش جهنم و جواز عبور از صراط و امان از عذاب دوزخ نوشته می‌شود، نامه عملش گشوده نخواهد شد و کردارش سنجیده نمی‌شود و به او گفته می‌شود: بدون حساب به بهشت وارد شو. بدانید، هر کس علی را دوست بدارد، ملائکه با او دست می‌دهند و انبیا او را زیارت می‌کنند و خداوند، تمام حاجتهایش را برمی‌آورد. آگاه باشید، هر کس آل محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را دوست بدارد، از حسابرسی و سنجش کردار و عبور از صراط، در امان است.

بدانید، هر کس بر دوستی آل محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بمیرد، من (رسول خدا) همنشینی او را با انبیا در بهشت ضمانت می‌کنم. آگاه باشید، هر کس بر بغض و کینه آل محمّد بمیرد، بوی بهشت را استشمام نمی‌کند.

ابو رجاء گفت: حماد بن زید به این حدیث افتخار می‌کرد و می‌گفت: این حدیث، اصل [مهمی در دین] است.

ص: ۲۵

حدیث دوم

علی بن حسن از امام باقر علیه السّلام از پدران گرامی آن حضرت نقل کرد که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود:

دوستی من و دوستی اهل بیتم در هفت جای هول‌انگیز سودمند است: وقت مردن، در قبر، هنگام برانگیخته شدن از قبر، وقت [گرفتن یا گشودن] نامه عمل، زمان رسیدگی به حساب، هنگام سنجش کردار و وقت عبور از صراط.

حدیث سوم

اسماعیل بن مسلم از امام صادق علیه السّلام از پدران گرامی آن حضرت نقل کرد که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود:

ثابت‌قدم‌ترین شما در صراط، کسی است که اهل بیت مرا بیشتر دوست می‌دارد.

حدیث چهارم

ابو حمزه ثمالی از امام باقر و آن حضرت از پدرانش نقل کرد که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به علی علیه السّلام فرمود:

ص: ۲۷

[هر گاه] محبّت و دوستی تو در دل مؤمنی قرار گیرد باعث می‌شود اگر یک قدمش بر صراط بلغزد، قدم دیگرش ثابت بماند تا اینکه خداوند او را به سبب محبّت تو، به بهشت وارد کند.

حدیث پنجم

زید بن ثابت گفت: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود:

هر کس علی را در زمان حیات آن حضرت و بعد از وفاتش دوست بدارد، خداوند عزّ و جلّ، تا زمانی که خورشید طلوع و غروب می‌کند، برای او ایمنی [از عذاب] و [ثبات] ایمان می‌نویسد و هر کس در زمان حیات علی علیه السّلام و یا بعد از وفاتش نسبت به آن حضرت بغض و کینه ورزد، به مرگ جاهلیت خواهد مرد و همه کردار و رفتارش، حسابرسی می‌شود.

ص: ۲۹

حدیث ششم

رقیّه دختر حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام از پدرش از پدران گرامی‌اش نقل کرد که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود:

هیچ بنده‌ای در روز قیامت، قدم از قدم بر نمی‌دارد مگر اینکه در مورد چهار چیز از او سؤال می‌شود: از جوانی‌اش که در چه راهی گذرانده، از عمرش که در چه راهی به سر برده، از مالش که از کجا به دست آورده و در چه راهی خرج کرده، و از دوستی ما اهل بیت.

حدیث هفتم

ابو سعید خدری گفت: در خدمت رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نشسته بودیم که مردی نزد آن حضرت آمد و گفت: ای رسول خدا، در مورد کلام خداوند خطاب به شیطان که فرموده:

«آیا تکبر کردی یا از برترین‌ها بودی؟» برایم توضیح بده تا مشخص شود «عالین» چه کسانی هستند که از ملائکه هم برترند؟

پیامبر فرمود:

ص: ۳۱

من و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام، دو هزار سال قبل از آن که خداوند آدم أبو البشر را بیافریند، در سراپرده عرش، تسبیح خدا را می‌گفتیم و ملائکه به سبب تسبیح ما، تسبیح خدا را می‌گفتند. هنگامی که خداوند حضرت آدم را آفرید، به فرشتگان فرمان داد او را سجده کنند، ولی به ما امر نفرمود که سجده نماییم. پس فرشتگان، همگی سجده کردند به جز ابلیس که سرکشی نمود و سجده نکرد و خداوند به او فرمود: «آیا تکبر کردی یا از عالین (برترین‌ها) هستی؟» و مقصود از «عالین»، همین پنج نفر بودند که اسامی آنها در سراپرده عرش نوشته شده بود. پس ما باب [رحمت] خداییم که از طریق آن، [به خلایق نعمت] می‌دهد و به سبب ما هدایت یافتگان هدایت می‌یابند. هر کس ما را دوست بدارد، خدا او را دوست می‌دارد و در بهشت جای می‌دهد و هر کس نسبت به ما بغض و کینه داشته باشد، خداوند او را دشمن می‌دارد و در آتش جهنم جای می‌دهد. و ما را دوست نمی‌دارد، مگر کسی که حلال‌زاده باشد.

حدیث هشتم

عمران گفت: امام صادق علیه السّلام فرمود:

ص: ۳۳

روزی من و پدرم به مسجد پیامبر رفتیم. در آنجا با گروهی از یاران پدرم، که بین قبر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و منبر آن حضرت [نشسته] بودند، برخوردیم. پدرم به آنها نزدیک شد و سلام کرد و فرمود: به خدا سوگند، من بوی شما و ارواح شما را دوست دارم. پس با ورع و پرهیز از گناه و کوشش در کار خیر، ما (آل محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم) را در این دوستی یاری کنید و بدانید که ولایت ما جز با ورع و کوشش در کار خیر به دست نمی‌آید.

هر کدام از شما که از جماعتی پیروی می‌کند، باید مانند آنها رفتار کند.

شما شیعه (پیرو) خدا و یاوران او هستید. شما سبقت‌گیرندگان اوّل و آخر هستید. در دنیا به سوی محبت ما پیشی گرفته‌اید و در آخرت به سوی بهشت سبقت می‌گیرید. من به ضمانت خداوند و عزّ و جلّ و تضمین رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم، بهشت را برای شما ضمانت می‌کنم. شما پاک و مطهّر هستید و زنانتان پاک و پاکیزه‌اند. هر زن مؤمنه‌ای، حوریی است و هر مرد مؤمنی، تصدیق‌کننده [و یا راستگو] است. بارها امیر المؤمنین علیه السّلام به قنبر فرمود: بشارت باد بر شما و [به سایر دوستانتان] بشارت دهید: به خدا سوگند رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم از دنیا رفت در حالی که بر تمام امتش خشمناک بود به جز جماعت شیعه. آگاه باشید برای هر چیز دستاویزی است و دستاویز دین، شیعه است.

بدانید، برای هر چیز شرافتی است و شرافت دین، شیعه است.

بدانید، برای هر چیز سیّد و سروری است و سیّد مجالس، مجالس شیعه است. آگاه باشید، برای هر چیز امام و پیشوایی است و امام زمین، آن قسمت از زمین است که شیعه در آن سکونت دارد. آگاه باشید،

ص: ۳۵

برای هر چیزی میل و رغبت شدیدی است و میل و رغبت دنیا به مسکنی است که شیعه در آن جای دارد. به خدا سوگند، اگر شما در زمین نبودید، مخالفین شما نمی‌توانستند از نعمتها بهره‌مند شوند. [البته آنان] در آخرت نصیب و بهره‌ای ندارند. هر ناصبی (دشمن اهل بیت) اگر عبادت و بندگی [خدا را] نماید و در کارهای خوب تلاش و کوشش کند، باز مشمول این آیه از قرآن است که می‌فرماید: «عمل‌کننده رنج کشنده، از آتش سوزان می‌چشد.» هر کدام از مخالفین شما که [برای خودش] دعا کند، خداوند دعای او را در مورد شما اجابت می‌فرماید و هر کس از شما از خداوند تعالی حاجتی درخواست نماید [خدای بزرگ] صد برابر حاجتش را برآورد. هر کس [از شما] یک دعا کند [خداوند] صد دعای او را اجابت می‌فرماید. هر کس [از شما] عمل نیکی انجام دهد، [پاداش عملش] قابل شمارش نیست و هر کس [از شما گناهی مرتکب شود، رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم مانع از پی‌آمدهای [بد] آن می‌شود. به خدا سوگند روزه‌دار شما در باغ‌های بهشت می‌گردد در حالی که فرشتگان برای رستگاری‌اش دعا می‌کنند تا اینکه افطار نماید. حجّ‌گزار و عمره‌گزار شما در شمار بندگان خاصّ خداوند است و به راستی، همه شما، اهل دعوت خدا و اهل ولایت او هستید. [در قیامت] نه ترسی بر شما هست و نه اندوهگین خواهید شد. همگی در بهشت هستید، پس به انجام کارهای نیک رغبت نمایید. به خدا سوگند، بعد از ما، هیچ کس به عرش خدا، نزدیکتر از شیعیان ما نیست. چقدر خداوند با شیعیان به زیبایی عمل کرده است. اگر نگرانی و ترس از این نبود که در [کارهای خیر] سستی کنید و بدین سبب دشمنانتان شما را سرزنش نمایند و مردم این مطلب را بزرگ شمارند، فرشتگان، رو در رو بر شما سلام می‌کردند.

ص: ۳۷

امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود:

اهل ولایت ما، در حالی از قبرهایشان بیرون می‌آیند که مردم هراسان و غمگینند، ولی آنها نه می‌هراسند و نه اندوهگین می‌شوند.

حدیث نهم

ابو ذر گفت: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را دیدم که دست بر دوش علی بن ابی طالب علیه السّلام نهاد و فرمود:

ای علی، هر کس ما را دوست بدارد، عرب است و هر کس کینه ما را داشته باشد، جفا کار است. شیعیان ما از خانواده‌های اصیل و از خاندان شرافت و بزرگواری و حلال‌زاده‌اند. جز ما و شیعیان ما کسی بر کیش ابراهیم نیست و سایر مردم از آن بیزارند. همانا خداوند، فرشتگانی دارد که گناهان شیعیان ما را از بین می‌برند، آن گونه که تیشه، ساختمان را ویران می‌کند.

ص: ۳۹

حدیث دهم

ابن عباس گفت: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود:

دوستی علی بن ابی طالب، گناهان را از بین می‌برد، آن گونه که آتش، هیزم را از بین می‌برد.

حدیث یازدهم

عامر جهنی گفت:

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در حالی وارد مسجد شد که ما نشسته بودیم، ابو بکر، عمر و عثمان نیز در بین ما بودند و علی علیه السّلام در کناری نشسته بود. رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم آمد و در کنار علی علیه السّلام نشست. سپس به راست و چپ نگاه کرد و فرمود:

در طرف راست و چپ عرش، مردانی بر منبرهایی از نور قرار دارند که چهره‌های نورانی‌شان می‌درخشد. و در این هنگام ابو بکر برخاست و گفت: پدر و مادرم به فدایت ای رسول خدا، آیا من از آنان هستم؟ حضرت فرمود: بنشین. سپس عمر برخاست و سخن ابو بکر را تکرار کرد و حضرت به او نیز فرمود: بنشین. وقتی ابن مسعود آنچه را پیامبر به ابو بکر و عمر فرمود: مشاهده کرد، تمام قد برخاست

ص: ۴۱

و گفت: پدر و مادرم به فدایت، ای رسول خدا، آنها را برای ما وصف کن تا با خصوصیاتشان آشنا شویم و آنها را بشناسیم. سپس رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم دست بر دوش علی علیه السّلام نهاد و فرمود، این و شیعیانش، همان رستگارانند.

حدیث دوازدهم

حبیب سجستانی از امام باقر علیه السّلام نقل کرد که آن حضرت فرمود:

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود:

خداوند عزّ و جلّ فرمود: بطور قطع و یقین، هر گروه و دسته‌ای در اسلام [بخواهند] به سبب دوستی و ولایت امام جائر و ستمگری که از طرف خدا [منصوب] نیست دینداری کنند، عذاب خواهم کرد، هر چند در عمل، نیکوکار و پرهیزکار باشند. و حتما آن عدّه از مسلمانان را که [بخواهند] به سبب دوستی و ولایت هر امام عادلی که از جانب خدا [منصوب] است دینداری کنند می‌بخشم، هر چند در عمل ستمگر و گناهکار باشند.

حدیث سیزدهم

ابو حمزه گفت: از امام صادق علیه السّلام شنیدم که [خطاب به شیعیانش] فرمود:

ص: ۴۳

شما اهل تحیّت و سلام خدایید. شما به سبب رحمت خداوندی، برگزیده خدایید. شما اهل توفیق خدا و اهل عصمتید [یعنی خداست که به شما توفیق انجام اعمال خیر را می‌دهد و از آلودگی‌ها نگه می‌دارد] شما در اثر اطاعت از خداوند، اهل دعوت خدایید. نه حسابی بر شماست و نه ترس و اندوهی.

حدیث چهاردهم

ابو حمزه گفت: شنیدم امام صادق علیه السّلام فرمود:

قلم از شیعه برداشته شده، برای اینکه خداوند آنها را با عصمت و ولایتش [از گناه و معصیت] نگه می‌دارد.

حدیث پانزدهم

ابو حمزه گفت: شنیدم امام صادق علیه السّلام فرمود:

به راست، من گروهی را می‌شناسم که خداوند آنها را آمرزیده و از آنان راضی شده و [از ارتکاب گناه] نگهشان داشته و مورد رحمت خویش قرارشان داده است. [همچنین] آنان را از هر گونه بدی حفظ فرموده و تأییدشان کرده و به هر رشدی هدایتشان فرموده و به بالاترین حدّ ممکن [رشد و کمال] رسانیده است. عرض شد:

یا ابا عبد اللّه، آنان چه کسانی هستند؟ فرمود: آنها شیعیان نیکوکار ما

ص: ۴۵

[یعنی همان] شیعیان علی علیه السّلام هستند.

حدیث شانزدهم

امام صادق علیه السّلام فرمود:

ما بر [اعمال] شیعیانمان گواهیم و شیعیان ما بر [اعمال] مردم گواهند و [در روز قیامت] مردم به سبب گواهی شیعیان ما به پاداش و یا کیفر می‌رسند.

حدیث هفدهم

ابو بصیر از امام صادق علیه السّلام از پدران گرامی آن حضرت نقل کرد که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به علی علیه السّلام فرمود:

ای علی، خداوند، دوستی و محبّت بینوایان و مستضعفان در زمین را به تو بخشیده است. من به برادری با آنها راضی شدم، چون آنها به امامت و پیشوایی تو خشنود شدند. پس خوشا به حال کسی که تو را دوست می‌دارد و تصدیقت می‌کند و وای بر کسی که با تو دشمن است و تکذیبت می‌نماید. ای علی، تو عالم به این امّت هستی.

هر کس تو را دوست بدارد، رستگار می‌شود و هر کس نسبت به تو کینه ورزد، هلاک می‌گردد. ای علی، من شهر [علم] هستم و تو دروازه آن. و آیا جز از طریق دروازه به شهر وارد می‌شوند؟ ای علی، اهل مودّت و دوستی تو، کسی است که بسیار بازگشت‌کننده [به درگاه الهی]

ص: ۴۷

و به شدّت نگه دارنده [نفس] است. لباسهای کهنه و مندرس دارد. [در ظاهر فقیر و تهیدست است ولی] اگر خدا را [برای امری] سوگند دهد، خداوند سوگندش را می‌پذیرد [و خواسته‌اش را برآورده می‌کند].

ای علی، برادران تو همگی [از بدیها] پاک و پاکیزه‌اند و اهل تلاش و کوشش، در کار خیرند. در راه تو دوست می‌دارند و در راه تو دشمنی می‌کنند. پیش مردم بی‌مقدارند، ولی نزد خداوند، منزلتی بزرگ دارند.

ای علی، دوستان تو، همسایگان خداوند در فردوس برین هستند.

بر آنچه از دنیا بجا گذاشته‌اند، افسوس نمی‌خورند. ای علی، من دوست کسی هستم که تو او را دوست داری و دشمن کسی هستم که تو با او دشمنی. هر کس تو را دوست بدارد، مرا دوست داشته و هر کس نسبت به تو کینه ورزد، نسبت به من کینه ورزیده. ای علی، برادران تو [در اثر روزه، ذکر و دعا]، لبهایشان خشکیده است و زهد و بی‌رغبتی نسبت به دنیا در چهره‌هایشان هویداست. ای علی، برادران تو در سه جا شاد می‌شوند. هنگام جدا شدن روح از بدنهایشان و این در حالی است که من و تو، ناظر بر آنانیم، و هنگام سؤال و جواب در قبر و موقع عرضه اعمال و گذشتن از پل صراط [یعنی] وقتی که از سایر مردم در مورد ایمانشان سؤال می‌شود و قادر به جواب دادن نیستند. ای علی، جنگ با تو، جنگ با من و صلح با تو، صلح با من است و جنگ با من، جنگ با خداست. هر کس با تو صلح و سازش نماید، با خدا صلح و سازش کرده. ای علی، به برادرانت بشارت ده به اینکه خداوند از آنها راضی شد، زیرا به پیشوایی تو بر آنها رضایت داد و آنها نیز به ولایت تو راضی شدند.

ای علی، تو امیر مؤمنان و پیشوای دست و پا و پیشانی سفیدانی [کنایه از مواضعی که در سجده به زمین می‌خورد] ای علی، شیعیان تو مسرور و شادمانند. اگر تو و شیعیانت نبودید،

ص: ۴۹

دینی برای خدا بر پا نمی‌شد و اگر شیعیان تو در زمین نبودند، آسمان بارانش را فرو نمی‌فرستاد. ای علی، برای تو گنجی در بهشت است و تو ذو القرنین آن (صاحب سلطنت ظاهری و باطنی آن) هستی. شیعیان تو به حزب اللّٰه شناخته می‌شوند. ای علی، تو و شیعیانت، قیام‌کننده به عدل و داد هستید و برگزیدگان از خلق خدایید. ای علی، من نخستین کسی هستم که از [قبر بیرون می‌آیم] و خاک از سرم پاک می‌کنم، در حالی که تو با من هستی، و سپس سایر خلق از

قبرهایشان بیرون می‌آیند. ای علی، تو و شیعیانت بر سر حوض کوثر، هر کس را دوست داشته باشید، سیراب می‌کنید و دشمنانتان را باز می‌دارید. شما روز ترس بزرگ (قیامت) در سایه عرش در امانید. مردم می‌هراسند و شما نمی‌هراسید. مردم اندوهگین می‌شوند و شما اندوهناک نمی‌شوید. این آیه در باره شما نازل شده است: «به راستی کسانی که به توفیق ما در نیکی‌ها پیشی گرفتند، از آن (دوزخ) دورند و صدای آن را نمی‌شنوند و در آنچه نفسهایشان بخواهد (نعمتهای بهشت) جاودانند.

ترس بزرگ روز قیامت، آنها را اندوهگین نمی‌کند و فرشتگان با آنها ملاقات می‌کنند [و می‌گویند] این همان روزی است که به شما وعده داده شده بود».

ای علی، در جایگاه رسیدگی به [حساب و کتاب] به دنبال تو و شیعیانت می‌گردند و حال آن که شما در بهشت از نعمتهای الهی بهره‌مندید. ای علی، فرشتگان و خزانه‌داران بهشت، مشتاق [دیدار] شما هستند و بردارندگان عرش و فرشتگان مقرّب، به گونه‌ای ویژه، برای شما دعا می‌کنند و به سبب دوستی و محبّت شما، از خدا [حاجتهای خود را] درخواست می‌کنند و وقتی یکی از شیعیان تو [از دنیا می‌رود] و بر فرشتگان وارد می‌شود، آن گونه شاد و خوشحال می‌شوند، که

ص: ۵۱

اهل خانواده با آمدن مسافرشان که مدّتهای مدیدی از بین آنها رفته [و اکنون بازگشته]، شادمان می‌شوند. ای علی، شیعیان تو کسانی هستند که در پنهان از خدا می‌ترسند و در پیدا برای خدا خیرخواهی می‌کنند.

ای علی، شیعیان تو کسانی هستند که در [کسب] درجات بهشت با یک دیگر رقابت دارند، زیرا آنها در حالی خدا را ملاقات می‌کنند که هیچ گناهی ندارند. ای علی، در هر روز جمعه، اعمال شیعیانت بر من عرضه می‌شود. خبر کردار نیکشان، مرا خوشحال می‌کند و برای گناهانشان آمرزش می‌طلبم. ای علی، [خداوند] تو و شیعیانت را قبل از آن که آفریده شوند، در تورات به تمام خوبیها یاد کرده است تا «الیا» را [که از اسامی مبارک علی علیه السّلام است] بزرگ شمارند و حال آن که شیعیان او را نمی‌شناسند، مگر همان اندازه که در کتابهایشان آمده است.

ای علی، یاد یارانت، [توسط فرشتگان] در آسمان از یاد آنها [در زمین] توسط اهل زمین باشکوهتر است. خیر و خوبی برای شیعیان تو است، پس باید به این مژده خوشحال باشند و بر کوشش خویش بیفزایند.

ای علی، هنگامی که شیعیان تو به خواب می‌روند، ارواحشان به آسمان بالا می‌رود و به سبب مقام و منزلتی که در پیشگاه خدا دارند، فرشتگان مشتاقانه به آنها می‌نگرند، همان گونه که مردم به هلال ماه می‌نگرند. ای علی، به یارانت که مقام تو را می‌شناسند، بگو از رفتاری که دشمنانشان انجام می‌دهند پرهیز کنند، زیرا

ص: ۵۳

شبانه روز رحمت خداوند آنها را فرا می‌گیرد، پس باید از پلیدی دوری نمایند. ای علی، خشم و غضب خداوند شدید باد بر کسی که با شیعیان تو دشمنی کند، از تو و شیعیانت بیزاری جوید، به جای تو و پیروانت، دیگران را بدل گیرد، به

دشمنت بگراید و تو و پیروانت را واگذارد، گمراهی و ضلالت را برگزیند و بر ضد تو و شیعیانت علم جنگ برافرازد، نسبت به ما اهل بیت و نسبت به هر کس که تو را دوست دارد و یاری می‌کند و بر دیگران برمی‌گزیند و جان و مالش را در راه ما (آل محمّد) می‌دهد، بغض و کینه ورزد. ای علی، سلام مرا به شیعیانت برسان [همان کسانی که] نه من آنها را دیده‌ام و نه آنها مرا دیده‌اند و به آنها خبر بده که ایشان برادران منند و مشتاق دیدارشان هستم. پس باید علم و دانش مرا به آیندگان برسانند و به ریسمان الهی [ولایت علی علیه السّلام] تمسّک جویند و به آن چنگ زنند و در انجام [کارهای نیک] بکوشند، زیرا ما آنها را از راه هدایت به راه گمراهی و ضلالت بیرون نمی‌بریم.

همچنین به آنان خبر ده که خداوند از ایشان راضی و خرسند است و به [وجود] آنان بر فرشتگان مباهات می‌کند و در روزهای جمعه، با نظر رحمت به آنها می‌نگرد و به فرشتگان فرمان می‌دهد که برای ایشان آمرزش بطلبند. ای علی، روی برنتاب از یاری و نصرت گروهی که وقتی به آنها خبر می‌رسد و می‌شنوند که من تو را دوست می‌دارم، پس به خاطر محبّت من نسبت به تو، تو را دوست می‌دارند و بدین وسیله دینداری خدای بزرگ را می‌نمایند و محبت قلبی و خالصانه خویش را به تو ارزانی می‌دارند و تو را بر پدران، برادران و فرزندان خویش برمی‌گزینند و راه تو را می‌روند و در راه دوستی و محبت ما سختیها و ناگواریها به آنها تحمیل می‌شود، ولی آنان جز نصرت و یاری ما

ص: ۵۵

و ایثار خونشان در راه ما [از هر کار دیگری] سر باز می‌زنند با وجود آزار و اذیّتها [یی که می‌کشند] و سخنان بد [ی که می‌شنوند] و رنج و مشقّتهایی که از درد این مصیبت می‌کشند. پس نسبت به آنها مهربان باش و به [دوستی] آنها قناعت کن، زیرا خداوند آنها را با علم و آگاهی‌اش، از بین مردم برگزیده، ایشان را از سرشت ما آفریده، اسرار ما را نزد آنها به ودیعه نهاده، شناخت حقّ ما را در قلبشان ثابت و استوار ساخته، سینه‌هایشان را فراخ نموده و آنها را متمسّک به ریسمان ولایت ما قرار داده است. ایشان، مخالفین ما را علیه ما برنمی‌گزینند، هر چند این گونه اعمال، باعث می‌شود منافع دنیا را از دست بدهند و پادشاهان به اذیّت و آزار آنها متمایل شوند. خداوند آنها را تأیید فرماید و به راه هدایت واردشان کند. [همان راه هدایتی] که به آن چنگ زدند، در حالی که مردم در گمراهی بسر می‌بردند و در مسیر هواهای نفسانی حیران بودند و از دیدن راه [حقّ] و آنچه از نزد خدا آمده بود، کور بودند. پس مردم در خشم و ناخشنودی خداوند، صبح را به شب و شب را به روز می‌آورند و حال آن که شیعیان تو، در راه روشن حقّ و پایداری بر آن، ثابت و استوارند و به کسانی که با آنها مخالفند، انس نمی‌گیرند. دنیا از آن آنها نیست و آنها نیز از آن دنیا نیستند. اینان چراغهای [فروزان در] تاریکی‌اند، اینان چراغهای [فروزان در] تاریکی‌اند، اینان چراغهای [فروزان در] تاریکی‌اند.

ص: ۵۷

حدیث هجدهم

سلیمان دیلمی گفت:

نزد امام صادق علیه السّلام بودم که ابو بصیر، در حالی که نفسهای عمیقی می‌کشید، بر آن حضرت وارد شد. هنگامی که نشست، امام صادق علیه السّلام رو به او کرد و فرمود: ای ابا محمّد، چرا این گونه نفس عمیق می‌کشی؟

ابو بصیر گفت: فدایت شوم ای فرزند رسول خدا، پیر و ناتوان شده‌ام و زمان مرگم نزدیک شده، با این وجود نمی‌دانم در آخرت چه حالی خواهم داشت! امام علیه السّلام فرمود: ای ابا محمّد، تو هم، چنین می‌گویی؟ ابو بصیر گفت: قربانت گردم، چرا نگویم؟ امام علیه السّلام فرمود:

ای ابا محمّد، مگر نمی‌دانی که خداوند تعالی، جوانان «شما» (شیعیان) را گرامی داشته از اینکه کیفرشان نماید و از پیران «شما» شرم می‌کند که از آنها حساب بکشد. ابو بصیر گفت: فدایت شوم، آیا این مقام، ویژه ما (شیعیان) است یا برای عموم اهل توحید و یکتاپرستان است؟

حضرت علیه السّلام فرمود: به خدا سوگند فقط مخصوص شما [شیعیان] است و سایر مردم را شامل نمی‌شود. در حدیث آمده است که خداوند می‌فرماید: «سفیدی محاسن مؤمنین از نور من است و من شرم دارم

ص: ۵۹

از اینکه نورم را با آتشم بسوزانم». همچنین نقل شده است: «سفیدی محاسن، زیور عقل و نشانه وقار و سنگینی است».

ابو بصیر گفت: فدایت شوم، [مخالفین شما] به ما لقبی داده‌اند که پشت ما را شکسته و دلهایمان را میرانده است، و زمامداران و والیان، به خاطر همین لقب- و بنا بر حدیثی که فقهایشان روایت می‌کنند- خون ما را حلال می‌شمرند.

امام علیه السّلام فرمود: مقصودت لقب «رافضی» است؟

ابو بصیر گفت: آری. امام علیه السّلام فرمود: نه، به خدا سوگند، اینان شما را به این نام نخوانده‌اند، بلکه خداوند شما را بدان نامیده است. ای ابا محمّد، مگر نمی‌دانی که هفتاد نفر از بنی اسرائیل، وقتی گمراهی فرعون و قومش، و هدایت موسی را تشخیص دادند، فرعون را رها کردند و به موسی پیوستند، به همین سبب، در میان لشکر موسی علیه السّلام به «رافضی» خوانده می‌شدند. اینها در بین لشکر موسی علیه السّلام بیش از دیگران عبادت می‌کردند و نسبت به موسی و هارون و فرزندانشان علیهم السّلام محبت بیشتری داشتند و خداوند به موسی علیه السّلام وحی فرمود: این نام را در تورات برای آنها ثبت کن، زیرا من آنان را به این اسم نامیده‌ام و این نام را بدانها بخشیده‌ام.

موسی علیه السّلام نیز این نام را برای آنها ثبت فرمود و پس از آن، خداوند، این نام را برای شما ذخیره کرد و به شما عطا فرمود.

ای ابا محمّد، اینان خوبی را رها کردند و شما به کمک خوبی، بدی را رها کردید. مردم به دسته‌ها و گروه‌های مختلفی تقسیم شدند

ص: ۶۱

و شما در گروه خاندان پیامبرتان محمد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در آمدید و به راهی رفتید که خداوند به آن امر فرموده است. شما همان راهی را که خدا برایتان برگزیده بود، انتخاب کردید و کسی را که خدا اراده کرده بود، اختیار نمودید. پس مژده باد بر شما و باز هم مژده باد بر شما. به خدا سوگند، شمایید که مورد رحمت حقّ قرار گرفته‌اید، کردار

نیک نیکوکارانتان پذیرفته می‌شود و از کردار زشت بدکارانتان چشم‌پوشی می‌شود. هر کس روز قیامت بدون آن عقیده‌ای که شما دارید به پیشگاه پروردگار درآید، خداوند نه کردار نیکش را می‌پذیرد و نه از کردار بدش درمی‌گذرد. ای ابا محمّد، آیا تو را خوشحال کردم؟ ابو بصیر گفت: عرض کردم: فدایت شوم بیشتر بگویید. امام علیه السّلام فرمود: ای ابا محمّد، خداوند فرشتگانی دارد که گناهان را از دوش شیعیان ما می‌ریزند، همان گونه که باد خزان، برگهای درختان را در فصل پاییز می‌ریزد و این است معنی کلام خداوند عزّ و جلّ: «و فرشتگان پروردگارشان را سپاس و ستایش می‌کنند و برای مؤمنان طلب آمرزش می‌کنند» به خدا سوگند آمرزش خواهی آنان، تنها برای شما است، نه برای سایر مردم. ای ابا محمّد، آیا خوشحالت کردم؟

ابو بصیر گفت: عرض کردم: فدایت شوم، بیشتر بگویید، امام علیه السّلام فرمود: ای ابا محمّد، به خدا سوگند، خداوند عزّ و جلّ در این آیه [آیه‌ای که بعدا تلاوت می‌فرماید]، هیچ یک از اوصیای پیامبران و پیروانشان را جدا نکرده، جز امیر مؤمنان علی علیه السّلام و شیعیانش را، آنجا که در قرآن کریم، که سخنش حقّ است، می‌فرماید: « [روز قیامت] روزی [است] که هیچ دوستی برای دوست خود کاری انجام نمی‌دهد و آنها یاری نمی‌شوند، مگر کسانی که با قلبی پاک و سالم [از پلیدیها] به نزد خداوند بیایند» و مقصود خدای بزرگ از این آیه، علی علیه السّلام و شیعیان او هستند.

ص: ۶۳

ای ابا محمّد، آیا تو را خوشحال کردم؟ ابو بصیر گفت: عرض کردم:

فدایت شوم، مطالب بیشتری بفرمایید. حضرت فرمود: ای ابا محمّد، همانا خدای تعالی شما را در قرآن یاد کرده است، آنجا که می‌فرماید:

«ای بندگان من که در مورد نفس خویش زیاده روی کرده‌اید، از رحمت الهی ناامید نشوید، زیرا خداوند همه گناهان شما را می‌آمرزد، به راستی او آمرزنده و مهربان است» (زمر- ۵۳) به خدا سوگند در این آیه جز شما، قصد کس دیگری را نداشته است. ای ابا محمّد، آیا تو را خوشحال کردم؟ ابو بصیر گفت: عرض کردم: فدای شما گردم، مطالب بیشتری بفرمایید. حضرت فرمود: ای ابا محمّد، همانا خداوند شما را در قرآن یاد کرده و فرموده: « [ای شیطان]» به راستی تو بر بندگان [خاص] من تسلطی نداری» (حجر- ۴۲) به خدا سوگند، در این آیه جز امامان علیهم السّلام و شیعیانشان را قصد نداشته است. ای ابا محمّد، آیا خوشحالت کردم؟

ابو بصیر گفت: عرض کردم: فدای شما گردم، مطالب بیشتری بفرمایید.

حضرت فرمود:

ای ابا محمّد، همانا خداوند شما را در قرآن یاد کرده و فرموده: «آنان همدم کسانی هستند که خدا نعمتشان داده، از پیامبران، راستگویان، شهیدان و نیکوکاران و چه نیکو رفیقانی هستند» (نساء- ۶۹) در این آیه، مقصود از پیامبران، رسول خدا خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم است و راستگویان و شهیدان ما هستیم و صالحین شمایید. پس به شایستگی و صلاح معروف شوید، همان گونه که خداوند شما را چنین نامیده است. ای ابا محمّد،

ص: ۶۵

آیا تو را خوشحال کردم؟ ابو بصیر گفت: فدایت شوم، بیشتر بفرمایید.

حضرت فرمود: ای ابا محمّد، همانا خدا شما را یاد کرده در آنجا که از زبان دشمن شما در دوزخ چنین حکایت می‌کند: «و گویند چرا ما [در اینجا] مردانی را که از اشرار می‌شمردیم و تمسخرشان می‌کردیم نمی‌بینیم یا شاید دیدگان ما [از دیدنشان] خیره گشته است» (ص- ۶۲) به خدا سوگند، مقصود و منظور از این آیه، کسی جز شما نیست، زیرا شما در نزد مردم این جهان، اشرار محسوب شده‌اید. به خدا سوگند، هنگامی که در بهشت در ناز و نعمت خواهید بود، آنان در دوزخ شما را می‌جویند، ای ابا محمّد، آیا خوشحالت کردم؟ ابو بصیر گفت: عرض کردم فدایت شوم، بیشتر بفرمایید. امام علیه السّلام فرمود: ای ابا محمد، [همین اندازه بدان که] هیچ آیه‌ای نیست که به بهشت رهبری کند و بهشتیان را به نیکی یاد کند، جز اینکه در باره ما و شیعیان ما نازل شده و هیچ آیه‌ای نیست که اهل آن را به بدی یاد کند و به سوی دوزخ براند مگر اینکه در باره دشمن ما و مخالف ما نازل شده است. ای ابا محمد، آیا تو را خوشحال کردم؟ ابو بصیر گفت: عرض کردم: فدایت شوم، بیشتر بفرمایید. حضرت فرمود: کسی بر آیین ابراهیم، جز ما و شیعیان ما نیست و سایر مردم از آن برکنارند. ای ابا محمّد، آیا خوشحالت کردم؟ [و در روایت دیگری نقل شده که ابو بصیر گفت: مرا بس است.]

حدیث نوزدهم

ابان بن تغلب گفت: از امام صادق علیه السّلام در مورد آیه شریفه: «وارد گردنه نشد» سؤال کردم:

ص: ۶۷

فرمود:

هر که را خدا به برکت ولایت ما گرامی بدارد، از عقبه (گردنه) گذشته است. و ما آن گذرگاهی هستیم که هر کس داخل آن شود، نجات می‌یابد. سپس اندکی سکوت کرد و در ادامه فرمود: آیا برای تو سخنی بگویم که خیر آن، از دنیا و آنچه در آن است بیشتر باشد؟ عرض کردم: آری، فدایت شوم. فرمود: [آن سخن] قول خدای تعالی است که فرمود: «آزاد کردن بندگان از آتش است»، زیرا تمام مردم اسیر آتشند، جز تو و یارانت. همانا خداوند به برکت ولایت ما اهل بیت، شما را از آتش دوزخ رهایی بخشیده است.

حدیث بیستم

ابا بصیر از امام صادق علیه السّلام نقل کرد که آن حضرت فرمود:

امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود:

من چوپانم، چوپان مردم. آیا گمان داری که چوپان، گوسفندان خویش را نمی‌شناسد؟ در این هنگام، جویریه برخاست و به آن حضرت گفت: ای امیر المؤمنین، گوسفندان تو چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: کسانی که [در اثر شب بیداری] رنگ چهره‌هایشان به زردی گراییده و بر اثر بسیاری ذکر خدا، لبهایشان خشکیده است.

ص: ۶۹

حدیث بیست و یکم

معاویه دهنی گفت: به امام صادق علیه السّلام عرض کردم:

فدایت شوم، تفسیر این حدیثی که از شما شنیده‌ام چیست؟

حضرت فرمود: کدام حدیث؟ گفتم: اینکه «مؤمن به نور خدا می‌نگرد»؟

فرمود:

ای معاویه، خداوند مؤمنین را از نور خود آفرید و از رحمتش ایشان را ساخت و روزی که خودش را به آنان شناساند، برای ما از آنها عهد و پیمان گرفت. پس مؤمن، برادر مؤمن است و از یک پدر و مادر هستند.

پدرش نور و مادرش رحمت است و مؤمن، به وسیله این نوری که از آن خلق شده می‌بیند.

حدیث بیست و دوم

داود بن کثیر رقّی گفت: بر امام صادق علیه السّلام وارد شدم و به آن حضرت عرض کردم:

فدایت شوم، در آیه شریفه: «به راستی من نسبت به کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد و سپس هدایت یابد، بسیار آمرزنده‌ام»

ص: ۷۱

منظور از هدایت، بعد از توبه و ایمان و عمل صالح، چیست؟

فرمود:

معرفت و شناخت ائمّه هدی است. به خدا سوگند امامی بعد از امام دیگر است.

حدیث بیست و سوم

سدیر صیرفی گفت:

بر امام صادق علیه السّلام در حالی وارد شدم که ابو بصیر، میسره، و عده‌ای از همنشینانش، نزد آن جناب بودند. وقتی نشستم، روی به من کرد و فرمود: ای سدیر، آگاه باش، دوستدار ما همواره در حال عبادت خداست، چه ایستاده، چه نشسته، چه خوابیده، چه در زمان حیات و چه پس از مرگ.

سدیر گفت: عرض کردم: عبادت او را در حالی که ایستاده و نشسته، و یا در ایّام حیات، دانستیم، امّا چگونه در حالی که خوابیده و یا از دنیا رفته خدا را عبادت می‌کند؟ فرمود: هنگامی که ولیّ ما سر بر زمین می‌گذارد و می‌خوابد، و وقت نماز فرا می‌رسد، خداوند دو فرشته را که در زمین آفریده شده‌اند و به آسمان بالا نرفته و ملکوت آسمانها را ندیده‌اند، بر او می‌گمارد که در کنارش به نماز بایستند تا زمانی که از خواب بیدار شود و خداوند، ثواب نماز آن دو فرشته را به حساب او منظور می‌دارد و هر رکعت از نمازشان معادل هزار رکعت نماز، از نمازهای انسانها است.

وقتی خداوند، دوستدار ما را قبض روح می‌فرماید، دو فرشته موکّل بر او

به آسمان بالا می‌روند و به پیشگاه الهی عرضه می‌دارند: بار الها، بنده تو، فلانی پسر فلانی، مدت عمرش تمام شد و اجلش فرا رسید و تو به این موضوع از ما داناتری. پس به ما اجازه بده در اطراف آسمانها و زمین، تو را عبادت نماییم. خداوند به آنها وحی می‌فرماید: «در آسمانم کسی هست که مرا عبادت می‌کند و حال آن که هیچ نیازی به عبادتش ندارم، بلکه او محتاج عبادت و بندگی است. و در زمینم نیز کسی هست که آن گونه که سزاوار من است، مرا عبادت می‌کند و هیچ بنده‌ای را نیازمندتر از او به خودم نیافریده‌ام. پس به سوی قبر ولیّ من فرود آیید.» سپس آن دو فرشته عرضه می‌دارند: پروردگارا، این چه کسی است که به سبب محبّت و دوستی تو نسبت به او سعادتمند شده است؟ خداوند به آن دو ملک وحی می‌فرماید: «او کسی است که برای نبوّت بنده‌ام محمّد مصطفی صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و ولایت جانشینش (علیّ مرتضی علیه السّلام) و فرزندان آن دو، از او عهد و پیمان گرفته شده است. پس به سوی قبر ولیّ من، فلانی پسر فلانی فرود آیید و نزد قبر او نماز گزارید تا زمانی که او را [از قبرش] برانگیزم.» پس آن دو فرشته فرود می‌آیند و در کنار قبر آن ولیّ خدا نماز می‌گزارند تا زمانی که خداوند او را از قبر برانگیزد و [خدای بزرگ] ثواب نماز آن دو فرشته را برای آن ولیّ خدا قرار می‌دهد که هر رکعت از نمازشان با هزار رکعت از نماز انسانها برابری می‌کند. سدیر گفت:

فدایت شوم ای پسر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم، پس در هنگامی که ولیّ شما خوابیده و یا از دنیا رفته، خداوند را بیشتر عبادت می‌کند از وقتی که زنده است و به نماز ایستاده؟ حضرت فرمود: هیهات ای سدیر، ولیّ ما در روز قیامت، از خدا برای دیگران امان می‌طلبد (شفاعت می‌کند) و خداوند اجازه این کار را به او می‌دهد (شفاعتش را می‌پذیرد).

حدیث بیست و چهارم

سدیر گفت: به امام صادق علیه السّلام عرض کردم: فدایت شوم ای پسر رسول خدا، آیا مؤمن از مردن (قبض روحش) کراهت دارد؟ فرمود:

نه، [بلکه] آن زمان که ملک الموت برای قبض روح مؤمن می‌آید، مؤمن بی‌تابی می‌کند. ملک الموت به او می‌گوید: ای ولیّ خدا، بی‌تابی مکن. سوگند به آن خدایی که محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را به حقّ به پیامبری مبعوث فرمود،

من نسبت به تو، از پدری مهربان نسبت به فرزندش، دلسوزتر و نیکوکارترم. چشمهایت را باز کن و ببین. [در این هنگام] وجود مبارک رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم، امیر المؤمنین علیه السّلام، فاطمه زهرا علیها السّلام، امام حسن مجتبی و امام حسین علیهما السّلام و سایر ائمه هدی علیهم السّلام برایش نمایان می‌شوند و به او گفته می‌شود اینها دوستان تو هستند. پس چشمهایش را می‌گشاید و می‌نگرد و به روحش از جانب عرش ندا داده می‌شود: «ای [صاحب] نفس مطمئنّه، به سوی محمّد و اهل بیت آن حضرت صلوات اللّه علیه و آله و سلّم باز گرد و به بهشتم داخل شو». [در این لحظه] برای مؤمن، چیزی خوشایندتر از این نیست که روح از بدنش خارج شود و به آن منادی بپیوندد.

ص: ۷۷

حدیث بیست و پنجم

معاویة بن عمّار از امام صادق علیه السّلام و ایشان از پدران گرامی خود علیهم السّلام نقل کرد که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود:

هنگامی که روز قیامت فرا رسد، گروهی را بر منبرهایی از نور می‌آورند که چهره‌هایشان همچون ماه شب چهارده می‌درخشد و اوّلین و آخرین [آفریدگان] به حال آنها غبطه می‌خورند. در این لحظه، رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم سکوتی کرد و در ادامه، سه بار همین عبارت را تکرار فرمود. عمر بن خطاب عرض کرد: پدر و مادرم به فدایت، آیا اینها شهدا هستند؟

پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: اینها شهدا هستند، اما نه آن شهدایی که شما گمان می‌کنید. گفت: اوصیا هستند؟ حضرت فرمود: اینها اوصیا هستند، اما نه اوصیایی که شما خیال می‌کنید. گفت: آیا از اهل آسمانند یا اهل زمینند؟ پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: از اهل زمینند. گفت: پس به من بگو اینها چه کسانی هستند؟ رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم با دستش به علی علیه السّلام اشاره کرد و فرمود: این و شیعیانش هستند. هیچ کس نسبت به او بغض و کینه نمی‌ورزد، مگر از قریش، آن که حرامزاده است و از انصار، آن که یهودی است و از عرب، آن که حرامزاده باشد و از سایر مردم، آن که کسی که اهل شقاوت و بدبختی است. ای عمر، دروغ می‌گوید کسی که گمان می‌برد دوستدار من است، در حالی که نسبت به علی علیه السّلام بغض و کینه دارد.

ص: ۷۹

حدیث بیست و ششم

امام باقر علیه السّلام از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نقل کرد که آن حضرت فرمود:

روز قیامت گروهی می‌آیند که لباسهایی از نور در بر دارند و چهره‌هایشان نورانی است و به آثار و علائم سجده‌هایشان شناخته می‌شوند. صفها را یکی پس از دیگری می‌شکافند تا اینکه در پیشگاه خداوند عالم قرار می‌گیرند، و در آن حال، پیامبران الهی، فرشتگان، شهدا و صالحین به حال آنها غبطه می‌خورند. عمر بن خطّاب المطلب به آن حضرت عرض کرد:

ای رسول خدا، اینها چه کسانی هستند که پیامبران، فرشتگان، شهیدان و نیکوکاران بر آنها غبطه می‌خورند؟ فرمود: اینها شیعیان ما هستند و علی علیه السّلام امام آنهاست.

حدیث بیست و هفتم

معاویة بن عمّار از امام صادق علیه السّلام نقل کرد که آن حضرت از پدرانش علیهم السّلام از رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم نقل کرد که آن حضرت خطاب به علی علیه السّلام فرمود:

ص: ۸۱

ای علی، امّتم را [در عالم ذرّ] به من نشان دادند، بطوری که کوچک و بزرگ آنها را مشاهده کردم. ایشان ارواحی بودند که هنوز اجسامشان آفریده نشده بود. من بر تو و شیعیانت گذشتم و برای شما طلب آمرزش کردم. سپس علی علیه السّلام عرض کرد: ای رسول خدا، در مورد آنها (شیعیانم) بیشتر برایم سخن بگویید. پیامبر پذیرفت و فرمود:

ای علی، تو و شیعیانت از قبر بیرون می‌آیید، در حالی که چهره‌هایتان همچون ماه شب چهارده می‌درخشد و سختیها از شما برداشته شده و ناراحتیهایتان از بین رفته و در زیر سایه عرش الهی آسوده خاطرید. مردم می‌ترسند و شما هراسی ندارید. مردم اندوهناک هستند و شما حزن و اندوهی ندارید. برای شما خوان کریمانه حضرت حق را می‌گسترانند، در حالی که مردم گرفتار حساب و کتاب اعمال خویشند.

حدیث بیست و هشتم

محمّد قبطی گفت: از امام صادق علیه السّلام شنیدم که فرمود:

مردم فرمایش رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم را در باره علی علیه السّلام در روز غدیر خمّ فراموش کردند، همان گونه که سخن آن حضرت را در روز مشربه امّ ابراهیم از یاد بردند. [قضیه آن چنین بود که] مردم به عیادت رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم می‌آمدند و در این هنگام، علی علیه السّلام نیز تشریف آورد و خواست نزد رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم برود، ولی جای خالی نیافت.

ص: ۸۳

وقتی پیامبر صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم دید که اهل مجلس، راه را برای علی علیه السّلام باز نمی‌کنند، فرمود: ای مردم، اینها (علی علیه السّلام و همسر و فرزندانش) اهل بیت منند و شما در حالی که من هنوز در میانتان هستم، اهل بیتم را سبک می‌شمارید! به خدا سوگند، اگر من از بین شما رخت بربندم (رحلت نمایم)، خداوند از شما پنهان نمی‌گردد [و ناظر بر اعمال شماست]. به راستی که آسایش، راحتی، خشنودی، بشارت، محبّت و دوستی برای کسی است که از علی علیه السّلام پیروی کند و او را دوست بدارد و تسلیم فرمان او و اوصیای بعد از او باشد. بر من [واجب] است که آنها را شفاعت کنم، زیرا ایشان، پیروان منند و هر کس مرا پیروی نماید، از من است. این موضوع، همان گونه است که در باره ابراهیم بوده، زیرا من از ابراهیم هستم و ابراهیم از من است. دین من دین او و سنّت من، سنّت او و فضل من فضل او

است و من از او برترم و برتری من برای او، باعث فضل و برتری است به مصداق قول خداوند که می‌فرماید: « [اینها] فرزندانی هستند که بعضی از نسل بعض دیگرند و خدا شنوای داناست» (آل عمران- ۳۴). رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم [این مطالب را زمانی بیان فرمود که] پاهای مبارکش متورم شده بود و در مشربه امّ ابراهیم، مردم به عیادت آن حضرت می‌آمدند.

حدیث بیست و نهم

ابو عبد اللَّه جدلی گفت: امیر المؤمنین علیه السّلام به من فرمود:

ص: ۸۵

ای ابا عبد اللَّه، آیا به تو خبر بدهم از خوبی (حسنه) ای که هر کس آن را با خود همراه داشته باشد، از ترس روز قیامت در امان خواهد بود؟

و [آیا به تو خبر بدهم] از بدی (سیّئه) ای که هر کس با خود همراه داشته باشد، خداوند او را با صورت در آتش جهنم می‌اندازد؟ ابو عبد اللَّه جدلی گفت: عرض کردم: آری [خبر دهید]. حضرت فرمود: «حسنه»، دوستی ما (اهل بیت) و «سیّئه»، دشمنی ما (آل محمّد) است.

حدیث سی‌ام

ابو اسحاق نحوی گفت: از امام صادق علیه السّلام شنیدم که فرمود:

خداوند، پیامبرش را بر محبّت و دوستی خودش ادب کرد [و از اخلاق پیامبر به نیکی یاد کرده است، آنجا که فرموده:] «ای پیامبر، تو صاحب اخلاق بزرگی هستی». سپس [امر دین را] به آن حضرت تفویض کرد و فرمود: «آنچه پیامبر برای شما آورده، بپذیرد و از آنچه شما را نهی کرده پرهیز نمایید». و [در آیه دیگری] فرمود: «هر کس از رسول خدا اطاعت نماید، از خدا اطاعت کرده است» و رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم نیز امر دین را به علی علیه السّلام سپرد و او را امین شمرد. پس شما (شیعیان) تسلیم شدید و مردم انکار کردند. به خدا سوگند، ما دوست داریم هر گاه سخن می‌گوییم، شما هم سخن بگویید و هر زمان سکوت کردیم، شما نیز سکوت کنید. ما واسطه بین شما و خدا هستیم. به خدا سوگند، خداوند در مخالفت با امرش برای هیچ کس خیری قرار نداده است.

ص: ۸۷

حدیث سی و یکم

محمد بن مسلم از امام باقر علیه السّلام نقل کرد که آن حضرت فرمود:

گناهان مؤمن آمرزیده می‌شود، پس مؤمن باید عمل خویش را از سر گیرد [زیرا پرونده اعمال او از گناه پاک شده و چیزی در آن نوشته نشده است]. آگاه باشید که این ویژگی، تنها به اهل ایمان (شیعیان) اختصاص دارد.

حدیث سی و دوم

محمّد بن مسلم از امام باقر علیه السّلام نقل کرد که آن حضرت فرمود:

خداوند به هر کس که دوست دارد و یا دشمن می‌دارد، [نعمتهای] دنیا را می‌دهد، ولی [نعمتهای] آخرت را تنها به کسانی می‌دهد که دوستشان دارد. مؤمن، اندکی از [مال] دنیا را از خدا می‌خواهد و خداوند به او نمی‌دهد. اما وقتی [نعمتهای] آخرت را از او درخواست می‌کند، خداوند، هر چه بخواهد، به او می‌بخشد. در مقابل، خداوند در دنیا به کافر هر چه بخواهد می‌بخشد، قبل از آن که از او درخواست نماید. ولی اگر اندکی از [نعمتهای] آخرت را بخواهد، به او نمی‌دهد.

ص: ۸۹

حدیث سی و سوم

ابو حمزه گفت: از امام صادق علیه السّلام شنیدم که فرمود:

شما (شیعیان) برای بهشت آفریده شده‌اید و بهشت نیز برای شما آفریده شده است. نامتان، نیکوکاران و اصلاح‌گران است و از خدا راضی و خشنودید، چون او از شما خشنود است. و فرشتگان برادران شما در کارهای نیکند، پس در کار خیر بکوشید.

حدیث سی و چهارم

ابو حمزه گفت: امام صادق علیه السّلام فرمود:

سرزمینها و قبرهایتان برای شما [همچون] بهشت است. برای بهشت آفریده شده‌اید و به سوی آن می‌روید.

حدیث سی و پنجم

ابو حمزه گفت: شنیدم امام صادق علیه السّلام فرمود:

هنگامی که مؤمن به نماز می‌ایستد، خداوند حوری‌های بهشتی را نزد او می‌فرستد تا پیرامون او جمع شوند. پس هنگامی که نمازش به پایان می‌رسد و برمی‌گردد و از درگاه ربوبی حوریه‌ای درخواست نمی‌کند، با شگفتی از دور او پراکنده می‌شوند.

ص: ۹۱

حدیث سی و ششم

امام صادق علیه السّلام فرمود: از امام باقر علیه السّلام شنیدم که فرمود:

هنگامی که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به معراج رفت [و بازگشت]، به علی علیه السّلام فرمود: ای علی، من در بهشت نهری را دیدم که از شیر سفیدتر و از عسل شیرین‌تر و از تیر راست‌تر بود. در آن، به اندازه ستارگان آسمان کاسه بود و بر کناره آن، قبّه‌هایی از یاقوت سرخ و درّ سفید. جبرئیل با بالش به کنار آن زد [و معلوم شد] مشک خوشبو و معطّر است. سپس [رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم] فرمود: به آن خدایی که جان محمّد به دست قدرت اوست، در بهشت درختی است که با صدای بلند، تسبیح خداوند را می‌گوید. صدای آن درخت، به گونه‌ای است که اوّلین و آخرین [آفریدگان]، زیباتر از آن صدا را نشنیده‌اند. این درخت همچون درخت انار میوه می‌دهد و میوه‌هایش را بر سر مؤمن می‌ریزد و چون آن را باز نماید، آن را از بین نود حلّه می‌شکافد. مؤمنین بر روی تخت‌هایی از نورند، در حالی که پیشانی و دست و پاهای آنها درخشان و نورانی است. [ای علی] تو در قیامت، پیشوایشان هستی. هر یک از آنها کفشهایی می‌پوشد که بندهایش از نور است و جلوی خود را تا هر جا که بخواهد، روشن می‌کند. مؤمن در چنین موقعیتی است که ناگهان زنی از مقام بالاتر به او می‌نگرد و می‌گوید: ای بنده خدا، تو بر ما تصرف و تملّک نداری؟ مؤمن می‌گوید: تو کیستی و او می‌گوید: من از جمله نعمتهایی هستم که خداوند عزّ و جلّ در باره آنها چنین فرموده است:

ص: ۹۳

«هیچ کس نمی‌داند چه نعمتهایی که باعث روشنی چشم اوست، برایش مهیا شده است. این [نعمتها] پاداش کردار [نیک] آنهاست». و در ادامه، رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: سوگند به آن کسی که جان محمّد به دست قدرت اوست، هر روز هفتاد هزار ملک نزد او (مؤمن) می‌آیند و او را به نامش و نام پدرش می‌خوانند.

حدیث سی و هفتم

مالک بن جهنی گفت: امام صادق علیه السّلام فرمود:

ای مالک، آیا راضی نیستید که نماز به پا دارید، زکات دهید، دست [از اذیت و آزار دیگران] باز دارید و به بهشت وارد شوید؟ سپس فرمود: ای مالک، هیچ گروهی در دنیا از امام و پیشوایی پیروی نمی‌کند مگر اینکه روز قیامت، او پیروان خود را و پیروانش، او را لعنت می‌کنند، جز شما و کسانی که همچون شما هستند.

ای مالک، هر کدام از شما با عقیده به امر ولایت [ما اهل بیت علیهم السّلام] از دنیا برود، شهید است و همچون کسی است که با شمشیرش در راه خدا جهاد کرده است. مالک گفت: روزی در خدمت آن حضرت نشسته بودم و نزد خود، اندکی از فضایل اهل بیت علیهم السّلام را بازگو می‌کردم.

در این هنگام آن حضرت به من فرمود: به خدا سوگند، شما شیعه ما هستید. گمان مکن که در باره امر ما زیاده‌روی می‌کنی.

ص: ۹۵

ای مالک، هیچ کس نمی‌تواند خدا را وصف نماید، و همان گونه که نمی‌تواند خدا را وصف کند، نمی‌تواند رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را هم وصف کند و همان گونه که نمی‌تواند رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را وصف

کند، نمی‌تواند ما را نیز وصف نماید و همان گونه که نمی‌تواند ما را وصف کند، نمی‌تواند مؤمن را هم وصف نماید. ای مالک، مؤمن با برادر دینی‌اش برخورد می‌کند و با او دست می‌دهد و خداوند پیوسته به آن دو با نظر رحمت می‌نگرد و گناهانشان را فرو می‌ریزد تا زمانی که از یک دیگر جدا می‌شوند. و البته کسانی را که این گونه هستند، کسی نمی‌تواند [آن گونه که سزاوار آنهاست] وصف نماید و امام ششم علیه السّلام فرمود: پدرم (امام باقر علیه السّلام) فرمود: هرگز کسی که اعتقاد به ولایت ما (آل محمّد علیهم السّلام) داشته باشد، طعمه آتش جهنّم نخواهد شد.

حدیث سی و هشتم

عمر بن ابان کلبی گفت: امام صادق علیه السّلام [در هنگام طواف خانه خدا] به من فرمود:

چقدر سیاهی [لشکر] زیاد است!! گفتم: آری ای پسر رسول خدا.

سپس آن حضرت فرمود: به خدا سوگند، جز شما (شیعیان) کسی برای خدا حجّ بجا نمی‌آورد و هر دو نماز (فرائض و نوافل) را بر پا نمی‌دارد

ص: ۹۷

و پاداش مضاعف به او داده نمی‌شود. شما دعوت‌کنندگان به خورشید [رسول خدا]، ماه [امیر المؤمنین] و ستارگان [سایر ائمه هدی علیهم السّلام] هستید و به راستی، شما اهل دین و دیانتید و گناهان شما آمرزیده می‌شود و کردار نیکتان پذیرفته می‌گردد.

حدیث سی و نهم

صبّاح بن سیابه گفت: امام صادق علیه السّلام فرمود:

چه بسا مردی، شما (شیعیان) را دوست می‌دارد، ولی با مقاله شما آشنا نیست. [عقیده شما را نسبت به اهل بیت علیهم السّلام نمی‌داند] اما خداوند او را [به خاطر دوستی با شما] به بهشت می‌برد. و چه بسا مردی، نسبت به شما کینه ورزد و حال آن که مقاله شما را هم نمی‌داند و خداوند او را [به خاطر این بغضش] به جهنم می‌برد. و چه بسا مردی، نامه عملش را پر [از خیرات] کند بدون آن که کار خیری انجام داده باشد. صبّاح گفت: عرض کردم: چگونه؟ فرمود: از کنار جماعتی که به ما (آل محمّد) ناسزا می‌گویند می‌گذرد، پس هنگامی که او را می‌بینند، بعضی به بعض دیگر می‌گویند این مرد از شیعیان آنهاست، [ساکت باشید و سخنی نگویید] و همین که از کنار آنها بگذرد، به او تهمت زده و ناسزا می‌گویند.

ص: ۹۹

خداوند به همین علّت، حسناتی برای او می‌نویسد تا اینکه نامه عملش را بدون این که کاری انجام داده باشد [از خیرات] پر می‌کند.

حدیث چهلم

منصور صیقل گفت: در منی در خیمه امام صادق علیه السّلام نزد آن جناب بودم که حضرت به مردم نگریست و فرمود:

حرام می‌خورند و حرام می‌پوشند و به حرام، ازدواج می‌کنند. و شما (شیعیان) حلال می‌خورید و حلال می‌پوشید و به حلال، ازدواج می‌کنید. نه، به خدا سوگند، جز شما کسی حجّ بجای نمی‌آورد و از غیر شما، اعمال خیر پذیرفته نمی‌شود.

حدیث چهل و یکم

عمر بن حنظله گفت: امام صادق علیه السّلام فرمود:

ای عمر بن حنظله، خداوند دنیا را به دوست و دشمنش می‌دهد، ولی این امر (ولایت ما آل محمّد) را جز به بندگان برگزیده‌اش نمی‌دهد.

به خدا سوگند، شما (شیعیان) بر دین من و دین پدرانم، ابراهیم و اسماعیل هستید.

ص: ۱۰۱

منظورم حضرت علیّ بن الحسین و امام محمّد باقر علیهم السّلام نیست، اگر چه اینها نیز بر دین آنها بوده‌اند.

حدیث چهل و دوم

امام صادق علیه السّلام فرمود:

مردی نزد رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم آمد و عرضه داشت: ای رسول خدا، من تو را دوست دارم. پیامبر فرمود: تو مرا دوست داری؟ عرض کرد:

[آری] به خدا سوگند من شما را دوست دارم. رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم به او فرمود: تو [در فردای قیامت] با کسی که دوستش داری خواهی بود.

حدیث چهل و سوم

میسّر گفت: از حضرت رضا علیه السّلام شنیدم که فرمود:

دو نفر از شما (شیعیان) در آتش جهنم دیده نمی‌شود. نه، به خدا سوگند یک نفر هم دیده نمی‌شود. میسر گفت: عرض کردم:

این موضوع در کجای قرآن است؟ حضرت برای مدّتی به سؤال من پاسخی نفرمود تا اینکه روزی با آن جناب مشغول طواف بودیم که

ص: ۱۰۳

فرمود: ای میسر، [اکنون] اجازه دارم به آن سؤالت پاسخ بگویم. عرض کردم: [پاسخ سؤالم] در کجای قرآن است؟ فرمود: در سوره «الرحمن» آنجا که می‌فرماید: «پس در این روز (قیامت) از گناه انس و جنّ شما سؤال نمی‌شود» عرض کردم: این آیه در لفظ، «منکم» ندارد. فرمود: اوّل کسی که آن را تغییر داد، «ابن اروی» بود و این حجّتی است بر او و بر یارانش، زیرا اگر «منکم» در آیه نباشد، عقاب خدا از خلقش برداشته می‌شود و اگر از گناه انس و جنّ سؤال نشود، پس چه کسی در روز قیامت عقوبت می‌شود؟

حدیث چهل و چهارم

عباس بن یزید گفت: روزی به امام صادق علیه السّلام عرض کردم:

فدایت شوم: معنی قول خدا، آنجا که فرموده: «و چون بنگری، در آنجا نعمتهای فراوان و ملک عظیمی خواهی دید» چیست؟

به من فرمود: هنگامی که خداوند، اهل بهشت را به بهشت وارد کند، فرستاده‌ای را نزد یکی از اولیایش می‌فرستد.

ص: ۱۰۵

آن فرستاده، با نگهبانان در خانه آن ولیّ خدا مواجه می‌شود که به او می‌گویند: بایست تا برای ورودت اجازه بگیرم.

پس پیام رسان خدا جز به اجازه ولیّ خدا بر او وارد نمی‌شود و این است قول خدای تعالی: «و چون بنگری، در آنجا نعمتهای فراوان و ملک عظیمی خواهی دید».

حدیث چهل و پنجم

امام صادق علیه السّلام فرمود:

هنگامی که روز قیامت فرا رسد، ما در مورد گناهکاران از شیعیانمان شفاعت می‌کنیم، ولی نیکوکارانشان را خداوند نجات داده است.

ابن بابویه، محمد بن علی - توحیدی، امیر، فضائل الشیعة / ترجمه توحیدی، ۱جلد، انتشارات زراره - تهران، چاپ: سوم، ۱۳۸۰ ش.